

صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ  
وَسَلَّمَ

# امامت و جانشینی پیامبر و شکوه

## در تفسیر فی ظلال القرآن

شهاب کاظمی

مقدمه

### آشنایی با مفسر «فی ظلال القرآن»

«سید بن قطب بن ابراهیم بن حسین بن شاذلی»، معروف به «سید قطب» در نهم اکتبر ۱۹۰۶ میلادی در یکی از روستاهای استان «اسیوط» مصر در خانواده‌ای مذهبی تولد یافت. پدر «سید قطب» فردی متدین و مورد احترام مردم، و مردی روشن فکر بود. در حالی که مدارس دولتی در آن زمان رواج نداشت، او فرزندش را بدان مدرسه‌ها روانه کرد.

وی بیش از ده سال نداشت که تمام قرآن را حفظ کرد. او برای ادامه تحصیل در مدارس ثانویه، وارد قاهره شد و مدرک لیسانس در رشته زبان و ادبیات عرب را از «دارالعلم» کسب کرد و در همان جا بود که با «عباس محمود عقاد» پیشتاز ادبیات نوین مصر آشنا گردید.

وی پس از اخذ لیسانس در سمت بازرسی وزارت آموزش و پرورش به کار اشتغال ورزید، اما از این سمت استعفا داد و همه توان خود را صرف پژوهش و نگارش کرد. در سال ۱۹۴۵، دو کتاب از وی به نام‌های «التصویر الفنی فی القرآن» و «مشاهد القيامة فی القرآن» به چاپ رسید. در سال ۱۹۴۸ با نوشتن کتاب ارزشمند «العدالة الاجتماعية»، بار دیگر توجه همگان را به ایدئولوژی پر بار و سازنده و زنده اسلامی جلب کرد. در سال ۱۹۴۹ به آمریکا سفر کرد و دو سال و نیم در واشنگتن و کالیفرنیا ماند و با جامعه فاسد و مظاهر فریبنده و گمراه ساز تمدن غرب



از نزدیک آشنا شد و سخت بر آن تاخت. از سال ۱۹۵۱ به جمعیت اخوان المسلمین پیوست و در سال ۱۹۵۳ نوشتن تفسیر «فی ظلال القرآن» را آغاز کرد و در سال ۱۹۶۴ آن را به پایان رسانید. در سال ۱۹۵۴ هنگامی که جمعیت اخوان المسلمین به توطئه ترور جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت مصر متهم گردید، همراه گروهی دستگیر و به ۱۵ سال زندان با اعمال شاقه محکوم شد. در سال ۱۹۶۵ کتابی به نام «معالم فی الطريق» نوشت که بر اثر آن همراه گروهی از اخوان المسلمین، به اتهام تلاش برای سرنگونی رژیم حاکم از راه مبارزه مسلحانه، مجدداً به زندان افتاد و سرانجام روز یکشنبه ۱۹۶۶/۸/۲۲ حکم اعدام او از سوی دادگاه عالی نظامی صادر گردید و علی رغم اعتراضات گسترده از اقصی نقاط جهان، در سحرگاه ۱۹۶۶/۸/۲۹ این حکم ظالمانه اجرا و «سید قطب» و چندی از یارانش به دار آویخته شدند و جسد او را پنهانی در یکی از مقابر قاهره به خاک سپردند. وی در حدود ۲۴ کتاب در موضوعات مختلف نوشته است که مهم ترین آنها عبارت اند از: «تفسیر فی ظلال القرآن»، «التصویر الفنی فی القرآن»، «مشاهد القيامة فی القرآن»، «العدالة الاجتماعية فی الاسلام»، «معركة الاسلام و الرأسمالية»، «خصائص التصور الاسلامی»، «الاسلام و مشکلات الحضارة» و...

### معرفی تفسیر «فی ظلال القرآن»

از جمله گرایش های ویژه ای که در قرن چهاردهم، در دنیای تفسیر پا به عرصه وجود نهاد، روش اصلاحی در تفسیر قرآن است. گرچه برخی از نویسندگان و صاحب نظران از جمله «دکتر محمد حسین ذهبی» در کتاب التفسیر و المفسرون<sup>۲</sup> اعتقاد دارد این گرایش برای اولین بار توسط «شیخ محمد عبده» آغاز شد، اما طبق قرآن، «سید جمال الدین اسدآبادی» به عنوان پیشتاز این نهضت در تفسیر قرآن، قدم به این وادی نهاده است. البته «مرحوم سید جمال» موفق به تدوین تفسیری مدون بر قرآن نشد، اما در عین حال عمده ترین مشکل جوامع اسلامی را دوری توده های مسلمان از مفاهیم قرآن می دانست. لذا اعتقاد داشت اساسی ترین راه حل مشکلات مسلمانان، نزدیکی آنان به قرآن و سرلوحه قرار دادن دستورات آن در کلیه شئون زندگی است.

پس از «سید جمال»، می توان گفت این روش توسط «شیخ محمد عبده»، شاگرد برجسته ایشان تداوم یافت و سپس در بین مفسران عامه می توان از «محمد رشید رضا در المنار»، «سید قطب در فی ظلال» و در بین امامیه از «محمد حسین فضل الله در من وحی القرآن»، «محمد جواد مغنیه در الکاشف فی تفسیر القرآن» و «سید محمود طالقانی در پرتوی از قرآن» که دارای گرایش های اصلاحی در تفسیر قرآن بودند نام برد. بحث در این مقوله فرصت دیگری می طلبد،

لذا در این بخش از کلام به اختصار درباره تفسیر «فی ظلال القرآن» بحث می‌کنیم. از جمله ویژگی‌های «سید قطب» که شاید بتوان ادعا کرد کم‌تر مفسری از این برجستگی فکری برخوردار بوده است، اعتقاد ایشان به پیوستگی دین و سیاست می‌باشد. لذا پیوسته از تفکیک مباحث اجتماعی، سیاسی و قوانین جوامع اسلامی از قوانین دینی به شدت نگران بود و آن را از جمله نقشه‌های بیگانگان به منظور سلطه بر فرهنگ مسلمانان می‌دانست. لذا با این تفکر، کتابی را تحت عنوان «خصائص التصور الاسلامی و مقوماته» تدوین می‌کند که در آن، دین را به عنوان مجموعه‌ای که خداوند برای زندگی بشر تنظیم کرده است معرفی می‌نماید و با این تفکر نیز به قرآن مراجعه می‌کند. بر همین اساس «تفسیر فی ظلال» از جمله تفاسیری است که به ارتباط و پیوستگی دین و سیاست پرداخته و قرآن را تنها کتاب عارفان یا عبادت‌گران نمی‌داند بلکه آن را کتاب «حرکت و پویا» می‌شناسد. از این رو روش تفسیری او به «المنهج الحرکی» یا روش «انقلابی و پویا» معروف شده است.<sup>۳</sup>

«سید قطب»، علاوه بر آنکه اعتقاد دارد قرآن کتابی است روشن‌گر راه جامعه بشریت به سوی سعادت و پساخگویی تمام نیازهای تکاملی انسانها، معتقد است قوانین و احکام قرآن اساساً طبق فطرت انسانی تنظیم شده است، لذا از جمله جنبه‌های اعجاز آن به عنوان آخرین کتاب منزل از طرف خداوند، جاودان بودن آن می‌باشد.

از ویژگی‌های «تفسیر فی ظلال» آن است که ایشان در ذیل آیات، هیچ‌گاه از مباحث عقلی بدور نبوده و پیوسته سعی می‌کند دیدگاه‌های تفسیری خود را بر پایه استدلال و استنتاج عقلی بنا نهد اما در عین حال از اینکه تکیه‌گاه وی خردگرایی و عقل محوری محض باشد، به شدت می‌پرهیزد بلکه عقل را ابزاری می‌داند که در پرتو انوار روحی، می‌تواند رهنمون انسان به سعادت باشد. لذا «فی ظلال» از اینکه یک تفسیر صرفاً عقلی و اجتهادی باشد بدور است.

از دیگر ویژگی‌های «فی ظلال» تساهل مذهبی یا به عبارت دیگر دوری از تعصبات مذهبی مفسر آن می‌باشد. گرچه ایشان قرآن را کتاب وحدت و حبل المتین تمام جوامع مسلمین می‌داند که باید بنیاد محکم وحدت اسلامی بر آن بنا شود، به همین منظور از مباحث کلامی و فقهی که در طول تاریخ تفسیر باعث ایجاد تفرقه و شکاف در بین مسلمانان شده است پرهیز می‌کند اما در عین حال مقوله حقیقت‌جویی و حق‌گرایی - که از امور فطری انسان است - امری است که هر انسان منصفی را به قضاوت می‌طلبد که مفسر فرزانه «فی ظلال» در ذیل آیات مربوط به آن، به راحتی از آن چشم‌پوشی کرده و با عبارات مختصر به بیان تفسیر آیه پرداخته است که ان شاء الله در جای خود بدان خواهیم پرداخت.



یکی دیگر از مباحثی که در «فی ظلال» مورد استفاده قرار گرفته است، مباحث روایی و نقلی و بیان شأن نزول آیات است. گرچه در ذیل برخی از آیات، به روایاتی از صحابه و یا شأن نزول آیات اشاره رفته و به تفسیر جنبه روایی بخشیده است، اما روایات عمدتاً از منابع حدیثی عامه استنباط شده و بدون ذکر سلسله سند به آنها استناد شده است، در حالی که انتظار می‌رفت متفکری که با سرمایه اصلاحی به تفسیر قرآن می‌پردازد، به دور از هر گونه تعصبی، روایات سایر فرق اسلامی را نیز در عرصه نقد و بررسی آیات مورد عنایت قرار دهد.

از مباحثی که در بعضی از تفاسیر، به ویژه تفاسیر متأخران به وفور مشاهده می‌شود، استفاده از روایات اسرائیلی است که ریشه در تفکرات و اندیشه یهود دارد. این روایات که در ذیل آیات خلقت آدم و حوا، قصص انبیا، داستان آفرینش آسمان و زمین و جز آن وارد شده، در طی قرون متمادی محل بحث مفسران، از جمله مفسران عامه بوده است. گرچه ما در اینجا در مقام انکار عدم نفوذ اسرائیلیات در برخی از تفاسیر امامیه نمی‌باشیم اما تفاسیر روایی اهل سنت در گذشته به لحاظ تکیه و استناد به آرای صحابه، بیشتر در معرض چنین جریانی قرار گرفته است. اما مرحوم «سید قطب» با ژرف اندیشی در ذیل آیاتی که زمینه نفوذ اسرائیلیات در تفسیر آنها فراهم است هیچ گونه استفاده‌ای از این گروه روایات به عمل نیاورده و از آنجا که پرهیز از روایات اسرائیلی از ویژگی‌های تفاسیر قرن اخیر است، به یقین می‌توان ادعا کرد، از ورود روایات اسرائیلی در تفسیر «فی ظلال» جلوگیری به عمل آمده است.

«استاد سید قطب» در صدر هر سوره ابتدا به بحث مکی و مدنی بودن سوره پرداخته و پس از مشخص کردن تعداد آیات آن، به بحث تقدم و تأخر نزول سوره در مقایسه با سوره دیگر پرداخته، سپس در مقدمه هر سوره موقعیت تاریخی و موضوع مطرح روز در زمان نزول سوره، با دسته‌ای از آیات و حوادث مهم قبل یا مقارن نزول، گاه به تفصیل و گاه به اختصار بیان کرده و در پاره‌ای موارد شأن نزول و زمان و مکان نزول سوره را به طور کلی با نگرشی دقیق بررسی می‌کند و در تفسیر متن آیات نیز از دیدگاهی که در مقدمه بیان کرده بهره می‌گیرد و بدین ترتیب افق تازه‌ای از سوره در زمان نزول به نمایش می‌گذارد. به عنوان مثال در آغاز تفسیر سوره آل عمران می‌گوید:

این سوره بخش زنده‌ای از زندگی گروه مسلمانان در مدینه را مجسم می‌نماید که مربوط به

بعد از جنگ بدر به سال دوم هجری و بعد از حنک احد. به سال سوم هجری می‌شود. ۴

«سید قطب»، در پاره‌ای از موارد در ذیل آیات به طرح مباحث تاریخی می‌پردازد و با عنایت به شرایط اجتماعی، فرهنگی که در زمان نزول آیات بر جامعه حاکم بوده است به تفسیر آیات می‌پردازد. وی قرآن را به دو بخش مکی و مدنی تقسیم می‌کند و محور سوره‌های مکی و مدنی

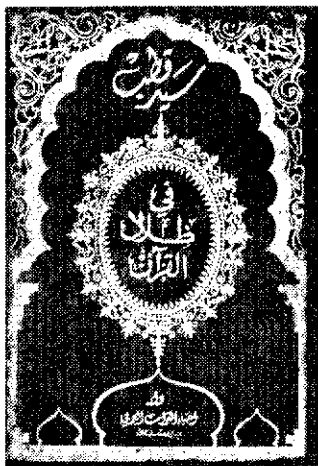
را در راستای هدف کلی قرآن تعیین می نماید، سپس به روایات و نظریات دیگران در این خصوص می پردازد، اما تکیه گاه اصلی او در اظهار نظر درباره مکی و مدنی بودن، سیاق آیات است که با این معیار و بدون در نظر گرفتن آرای دیگران درباره آنها نظر می دهد. بنابراین مقدماتی که در آغاز سوره ها آورده است اصول و روش کار و سبک تفسیر «فی ظلال» را از یک سو و دیدگاه های «سید» درباره قرآن و هر سوره را، از سوی دیگر مشخص کرده و خواننده را به افق دوردستی می برد که پیش از این با آن آشنایی کامل نداشته است.

از جمله روش های تفسیری که در «فی ظلال» به کار گرفته شده است می توان از روش تفسیر قرآن به قرآن یاد کرد که گاهی در تفسیر آیات به آیات دیگر استناد کرده است و در مواردی نیز وجود روایات که عموماً از منابع اهل سنت نقل شده است، به تفسیر جنبه روایی بخشیده است.

### امامت در تفسیر «فی ظلال القرآن»

یکی از اصول اعتقادی که باعث تمییز امامیه از سایر فرق و مذاهب اسلامی می شود، اعتقاد به اصل جانشینی پیامبر اسلام ﷺ است که از آن به «اصل امامت» تعبیر می شود. شیعه معتقد است همان گونه که بعثت انبیا به ویژه نبی اکرم ﷺ از طرف خداوند لطف است، وجود مبارک امام به عنوان جانشین منصوب از طرف خداوند و به وسیله پیامبر ﷺ نیز لطف و تداوم راه نبوت است. امامیه از زمان رحلت پیامبر اکرم ﷺ با استناد به آیات و روایات متواتره از شخص پیامبر، به جانشینی بلافصل ائمه اطهار علیهم السلام استدلال کرده اند و اعتقاد دارند که خداوند هرگز زمین را از حجت یعنی پیامبر یا وصی - ظاهر و یا غائب - خالی نمی گرداند. ۵ و خلاصه حقیقت و جوهر تشیع، ایمان بر این است که امام بعد از پیغمبر زمامدار می شود و به اراده خداوندی حکومت می کند. ۶ بنابراین امامت، مقامی موروثی نیست بلکه مانند نبوت، انتصابی است که از طرف خالق متعال انجام می گیرد.

در برابر اعتقاد امامیه، اهل سنت معتقدند، تعیین جانشینی پیامبر از اختیارات امت و بر اساس اجماع مسلمین است و عصمت جانشین پیامبر نیز از مواردی است که مورد تأکید قرار نمی گیرد. اما امامیه معتقد است امام باید با فضیلت ترین و اعلم ترین مردم عصر خود باشد زیرا هدف امام، تکامل بشریت و تزکیه و تهذیب نفوس با علم و عمل صالح است و این امر تحقق نمی یابد مگر به واسطه تعیین جانشینی، که دارای تمام خصوصیات پیامبر ﷺ، غیر از دریافت وحی باشد.



## عصمت امام در «فی ظلال القرآن»

خداوند می فرماید: «و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماماً قال و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین» (بقره، ۱۲۴/۲) منظور از «ابتلاء» در آیه، همان آزمایش و امتحان است<sup>۷</sup>، که از شیخ الانبیاء علیه السلام به عمل آمده است و منظور از «عهد» مقام امامت است، پس از آنکه حضرت ابراهیم علیه السلام از این آزمایشات سرافراز بیرون آمد، خداوند منصب امامت را به ایشان تفویض فرمود. همان طور که آشکار است منصب امامت، پس از مقام نبوت و در پی

آزمایش هایی به حضرت ابراهیم علیه السلام واگذار شد، در نتیجه مقام امامت ابراهیم علیه السلام، فوق مقام نبوت ایشان بوده است و این جعل با نص صریح قرآن که می فرماید: «انی جاعلک للناس اماماً» مورد تأکید قرار می گیرد و عدم نصب ظالمین به مقام امامت است نیز ریشه در آیه قرآن دارد.

امامیه به این آیه استدلال کرده است که امام باید از زشتی ها معصوم باشد زیرا خداوند نهی فرموده که عهدش به ظالمان برسد.<sup>۸</sup> طبق این آیه، انتخاب امام و عصمت او از گناه و اشتباه پس از انجام آزمایشات مورد تأکید می باشد.

بنابراین نصب امام مسبق به آزمایشات مختلف بوده که قبول آن باید از طرف خداوند مورد پذیرش قرار گیرد و مقام امامت یک منصب الهی است و حق انتخاب آن بر عهده خداوند می باشد، این مقام به گناهکاران نیز تفویض نمی شود بلکه مخصوص شخص معصوم از گناه و اشتباه است.<sup>۹</sup>

استاد گران قدر «مرحوم سید قطب»، دلیل این آیه می گوید:

ابراهیم علیه السلام پس از آزمایشات خداوند، استحقاق یافت که به مقام امامت برای مردم برگزیده شود و منظور از «کلمات»، اوامر و تکالیفی است که ابراهیم علیه السلام از عهده آنها به خوبی بر آمد. علاوه بر این مسأله، خداوند در این آیه از وفای ابراهیم یاد می کند و به نحوی او را اعلام رضایت می نماید و مقام ولایی که ابراهیم بدان دست یافت، مقام وفا نامیده می شود.<sup>۱۰</sup>

مفسر فی ظلال، پس از آن به تعریف امام پرداخته، می گوید:

امام به معنی رهبری است که مردم را به طرف خدا سوق می دهد و آنها را به خیر هدایت می کند و مردم از او تبعیت می نمایند و خداوند قاعده ای را جهت دستیابی به این مقام تعیین کرده است و آن این است که امامت از آن کسی است که از جهت عمل و آگاهی و صلاح و ایمان،



شایستگی آن را داشته باشد نه از جهت اصلاّب و نسب و خویشاوندی.<sup>۱۱</sup>

و در جای دیگر می گوید:

منظور از «اماماً» پیشوایی مردم است که ابراهیم علیه السلام به خداوند عرض کرد آیا از دودمان من

نیز کسانی را پیشوا و پیغمبر خواهی کرد.<sup>۱۲</sup>

«سید قطب» سپس طی بحثی به انواع ظلم اشاره می کند و می گوید:

امامت به هر معنی که باشد از قبیل سفارت و خلافت و امامت در نماز، بر ظالمان ممنوع

است.<sup>۱۳</sup>

علی رغم این نظرات و آراء، عامه با استناد به حدیث «لا تجتمع امتی علی الظلاله» که صحت آن از نظر امامیه به ثبوت نرسیده است، بر این عقیده اند که تعیین مقام خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله بر عهده اجماع مسلمانان است و هیچ گونه نصی از قرآن یا پیامبر در این موضوع وارد نشده است و آیات مذکور تحت این عنوان را، به طرق مختلف تأویل می نمایند. اما شیعه با تمسک به قول خداوند که می فرماید: «و لکن اکثر الناس لا یعلمون» (اعراف، ۱۸۷/۷)، به عدم جواز رجوع به اهل حل و عقد در امور دینی استدلال کرده است.<sup>۱۴</sup>

همان طور که بیان شد استاد گران قدر «مرحوم سید قطب» تلویحاً به مقام امامت که نقش رهبری دینی، سیاسی را در جامعه مسلمانان ایفا می کند و نیز عصمت شخص امام و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و اینکه امامت یک منصب الهی است، اشاره کرده است.

### ولایت امام در «فی ظلال القرآن»

از جمله دلایل امامیه در نصب امامت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله که همواره مورد تمسک خود قرار داده اند، آیه «انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون» (مائده، ۵۵/۵) می باشد. کلیبی ضمن نقل روایتی در آخر این آیه افزوده است که این آیه در شأن علی بن ابیطالب نازل شده است زیرا ایشان انگشتی خود را در حالی که در رکوع بودند، به سائلی بخشیدند.<sup>۱۵</sup> سیوطی نیز در شأن نزول این آیه از عمار بن یاسر، داستان دادن انگشتی در حال رکوع به وسیله مولای متقیان صلی الله علیه و آله را یاد می کند.<sup>۱۶</sup>

بدون تردید منظور از ولایت خدا و رسول، تصرف در امور و شئون مسلمانان است و ولایتی که برای خدا و رسول او ثابت شده است برای کسی که بین زکات و رکوع را جمع کرده است، ثابت می شود. مرحوم مغنیه، ذیل این آیه با استناد به آیه «النبی أولى بالمؤمنین من انفسهم» (احزاب، ۶/۳۳) می گوید:

# نقد و معرفی

پیشگام

سال هفتم  
شماره ۲۸

۲۱۰



ولایت خدا و پیامبر ﷺ تصرف در تمام امور است و منظور از مؤمنان که نمازگزار و راکعند

علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد. ۱۷

وی سپس به شأن نزول این آیه که از قول امام فخر رازی نقل شده است اشاره کرده و بدین وسیله ولایت و زعامت علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان مصداق آیه بیان می نماید.

«استاد سید قطب»، در تفسیر این آیه می گوید:

یکی از صفات کسانی که ایمان آورده اند اقامه صلاه است و منظور از اقامه صلاه آن است که به نحوی آن را ادا نمایند، که آثار آن که در آیه «ان الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر» (عنکبوت، ۲۹/۵)، آمده است، نمایان شود. صفت دیگر کسانی که ایمان آورده اند. ابناء زکات است و جمله «و هم راکعون» یعنی اینکه این شان آنها است، گویا این حالت اصلی کسانی است که ایمان آورده اند و این صفت، صفتی عام و شامل است. ۱۸

همان گونه که ملاحظه می شود مرحوم سید قطب جمله حالیه «و هم راکعون» را عام تلقی کرده و بر اساس این اعتقاد تخصیص شأن نزول آیه را که مورد اتفاق تمام مفسران عامه و خاصه است، نفی می نماید.

### آیه تبلیغ در «فی ظلال القرآن»

از حوادث مهم در تاریخ حیات پیامبر اسلام ﷺ که در اواخر عمر شریفشان به وقوع پیوست، سفر حجة الوداع است که در سال دهم هجرت اتفاق افتاد. پس از اتمام مناسک حج و بازگشت مسلمانان از این سفر ملکوتی، فرشته وحی بر پیامبر نازل شد و اعلام کرد: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته...» (مانده، ۶۷/۵)، ابو سعید محمد بن علی صفا با ذکر سلسله سند، روایتی از ابو سعید خدری نقل می کند و می گوید: ابو سعید خدری گوید: آیه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک» در روز غدیر خم در شأن علی بن ابیطالب مولای متقیان - رضی الله عنه - نازل شده است. ۱۹

اسلوب خطاب به پیامبر ﷺ دلالت می کند که خداوند پیامبر را مأمور به تبلیغ امر مهمی کرده است و پیامبر در ابلاغ این مأموریت احساس سختی و سنگینی می کند زیرا آن مأموریت بر گروهی از صحابه سنگین خواهد افتاد. ۲۰

همان گونه که از ظاهر آیه بر می آید، پیامبر ﷺ در میان تمام القاب، با کلمه «یا ایها الرسول» مورد خطاب قرار گرفته است و این امر مبین عملی است که پیامبر مأمور به ابلاغ آن شده است و این همان امریست که از ناحیه خداوند نازل شده است. از جهت دیگر این امر هر چه باشد

\* امامت و جانشینی پیامبر ﷺ

بیانات

سال هفتم  
شماره ۲۸



به منزله ماحصل زحمات پیامبر در طول رسالتش می باشد. مسأله دیگری که از فحوای آیه استنباط می شود بیم و اضطراب پیامبر از اعلام مطلب مورد بحث است، که خداوند صیانت پیامبر ﷺ را در این امر متعهد گردیده است. دیگر آنکه افرادی که مورد ابلاغ امر خدا قرار می گیرند با کلمه «الناس» تعبیر شده اند نه با کلمه «المسلمین» یا «المؤمنین» که این عمومیت نشانه بارزی است از فراگیر بودن امری که پیامبر مأمور به ابلاغ آن شده است.

«استاد سید قطب» می گوید:

این امر حازم و مضمی است به رسول خدا ﷺ که آنچه از طرف خداوند به او امر شده است کاملاً ابلاغ نماید. در غیر این صورت به واجب خدا قیام نکرده است. و خداوند متولی مصونیت او از مردم است. این آیه مربوط به زمانی است که پیامبر ﷺ با اهل کتابی که هیچ گونه دین و عقیده و ایمانی ندارند، مواجه گردیده است؛ و امری که پیامبر ﷺ مأمور ابلاغ آن به اهل کتاب است، اینست که اعلام نماید: آنها گمان نکنند که مؤمن هستند، زیرا دین کلماتی نیست که با زبان گفته شود و کتابی نیست که قرائت گردد بلکه دین روش زندگی است. بنابراین پیامبر ﷺ مأمور ابلاغ این امر به اهل کتاب گردید و خداوند مصونیت پیامبر را در برابر اهل کتاب متکفل شد.<sup>۲۱</sup>

همان گونه که از تاریخ نزول آیه بر می آید، این آیه در اواخر عمر پیامبر ﷺ و در سفر حجة الوداع نازل شده است و در این زمان اسلام، در اوج عظمت و قدرت خود بود، زیرا اهل کتاب اعم از یهود و نصاری مطیع و منقاد پیامبر اسلام ﷺ بودند، بنابراین وجهی برای بیم پیامبر ﷺ از آنان باقی نمی ماند و اگر آن گونه که استاد گران قدر «سید قطب» اعتقاد دارند، صحت داشت، شایسته بود این آیه در اوایل بعثت و یا حداقل اوایل هجرت که مسلمانان در آن زمان در نهایت ضعف از نظر تشکیلات حکومتی و نظامی قرار داشتند، نازل گردد.

دیگر آن که معمولاً اگر بنا را بر صحت ترس و بیم پیامبر ﷺ بگذاریم این امر آشکار است که وجود دشمنان خارجی بزرگی مثل امپراطوری روم و ایران که خطر آنان از یهود و نصاری بیشتر بود باید، باعث بیم حضرت می شد نه وجود دشمنان شکست خورده خیبر و امثال آن و نیز هر عقل سلیمی بر این امر واقف است که تفرقه و اختلافات در بین یک گروه، مهلک تر از جنگ با گروه دیگر است، لذا بیم پیامبر ﷺ را نمی توان چیزی غیر از ترس از تفرقه و اختلاف در صفوف مسلمانان تلقی کرد.

مسأله قابل توجه آن است که اکثر علمای عامه اعتقاد دارند، این آیه در شأن و منزلت علی بن ابیطالب ﷺ نازل شده است.

فخر رازی در این باره می گوید:



این آیه در فضیلت علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شد و پس از آن پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «من كنت مولاه، فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» و این قول از طرف «ابن عباس» و «براء بن عازب» و «محمد بن علی بن الحسین علیه السلام» نیز نقل شده است. ۲۲

در اینجا چون بنای کار بر اختصار است جهت پرهیز از اطاله کلام از بحث بیشتر پیرامون این موضوع خودداری می کنیم. لذا محققان گرامی جهت تکمیل بحث می توانند به کتب کلامی و تاریخ اسلام و نیز تفسیر المیزان، (ج ۶، ص ۶۷) مراجعه فرمایند.

### آیه تطهیر در «فی ضلال القرآن»

همان گونه که در بحث عصمت امام اشاره شد، طبق نص صریح قرآن، امام و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله باید از خطا و اشتباه مصون و معصوم باشد زیرا تداوم نبوت ایجاب می کند که امام دارای تمام ویژگی های پیامبر صلی الله علیه و آله غیر از دریافت وحی باشد.

خداوند در مقام طهارت اهل بیت علیهم السلام می فرماید: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» (احزاب، ۳۳/۳۳) منظور از «الرجس» به معنی گناه است و خداوند اهل بیت را از تمام گناهان و اشتباهات مبرا کرده است و در اینکه منظور از «اهل البیت» در این آیه چه کسانی هستند، بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد اما قدر مسلم آن است که عموم علمای امامیه اتفاق نظر دارند که منظور از اهل بیت، «پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و حسین علیه السلام» می باشد.

ابو سعید گوید:

آیه **انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس**، درباره پنج نفر که عبارت اند از: رسول خدا صلی الله علیه و آله،

علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حسین علیه السلام نازل شده است. ۲۳

عطاء بن ابی رباح پس از نقل شأن نزول این آیه می گوید:

این آیه در خانه دام سلیم، نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و خطاب به علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حسین علیه السلام فرمود: «بار خدایا اینان اهل بیت خاص من هستند از ایشان رجس را ببر و پاکیزه شان ساز». ۲۴

همچنین ابو سعید خدری و انس بن مالک و واثله بن اسقع و عایشه و ام سلمه گفته اند:

که این آیه مختص به رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام است. ۲۵

در تفسیر فی ضلال القرآن، پس از بحث لغوی، پیرامون تطهیر می نویسد:

تطهیر، روش اسلام است و آن عبارت است از آگاهی و تقوی در ضمیر، سلوک و عمل در

زندگی است و با این خصوصیات، اسلام در شخص مسلمانان کامل می گردد. ۲۶

همان طور که بیان شد، «سید قطب» تطهیر را به آگاهی و تقوی در زندگی تعبیر کرده است و آن را امری عام که می‌تواند به هر کسی که این ویژگی‌ها را کسب نماید، اختصاص یابد و طهارت را از اختصاص یافتن به افراد ویژه‌ای که در آیه به آنها اشاره شده است خارج کرده است. وی سپس می‌گوید:

منظور از اهل بیت، زنان پیامبر ﷺ هستند که این آیه، شان و منزلت آنان را تعیین کرده است و آنان را از سایر زنان مسلمان ممتاز ساخته است و خداوند منزل آنها را محل نزول قرآن و حکمت و محل طلوع نور و هدایت و ایمان قرار داده است.<sup>۲۷</sup>

به طور مسلم زنان آن جناب، جزو اهل بیت او نیستند برای اینکه هیچ‌گاه صحیح نیست ضمیر مذکر را به مؤنث ارجاع داد.<sup>۲۸</sup> و کلمه «اهل البیت» در عرف قرآن اسم خاص است، که هر جا قید شود منظور پنج نفرند، یعنی رسول خدا ﷺ و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام، و بر هیچ‌کس دیگر اطلاق نمی‌شود هر چند که از خویشاوندان و اقربای آن جناب باشند.<sup>۲۹</sup>

### اولی الامر در «فی ضلال القرآن»

یکی دیگر از آیاتی که امامیه در اثبات امامت ائمه علیهم السلام بدان استناد کرده‌اند آیه «یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء، ۵۹/۴) است. سؤالی که در اوایل نزول این آیه برای قاطبه مسلمانان مطرح شد، آن بود که نسبت به خداوند و پیامبر ﷺ آشنایی دارند اما حس کنجکاوی، آنان را بر آن داشت که سؤالاتی را از پیامبر درباره افرادی که تحت عنوان «اولی الامر» از آنان نام برده شده است به عمل آورند. از جمله آنکه جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: وقتی آیه فوق نازل شد گفتم یا رسول الله، خدا و رسول را شناختیم، اولی الامر که خداوند اطاعتشان را همراه اطاعت تو قرار داده چه کسانی هستند؟ فرمود: «آنان جانشینان من هستند ای جابر!، و پیشوایان مسلمانان پس از من». «<sup>۳۰</sup> سپس پیامبر ﷺ اسامی ائمه از علی رضی الله عنه تا آخرین حجت حق را بر شمرد.

شیعه می‌گوید: «اولی الامر» اهل بیت پیامبر هستند و نص از خدا و پیامبر بر عصمت اهل بیت به ثبوت رسیده است.<sup>۳۱</sup> از جهت دیگر واجب است کسانی که خداوند حکم به اطاعت آنان کرده است معصوم از خطا و اشتباه باشند زیرا اگر معصوم نباشند و مرتکب خطا شوند حکم خداوند، امر به اطاعت از فعل خطا خواهد بود. در حالی که پیروی از فعل خطا منتهی عنه است. در نتیجه باید «اولی الامر» کسانی باشند که معصوم از خطا و مبرا از اشتباه باشند.

در تفسیر «فی ضلال القرآن» آمده است:

خداوند در این آیه شرط ایمان و حد اسلام و اصول حکومت در جوامع مسلمین را معین

فرموده است. حاکمیت در حیات بشری مخصوص خداوند است که شریعت خود را به سوی بشریت فرستاده است و همراه شریعت، رسولی که آن را برای مردم تعیین نماید، مبعوث کرده که سنت و سیره آن رسول نیز از شریعت خداوند است. اطاعت از شریعت خداوند و کسی که با این شریعت مبعوث کرده، واجب است. اما منظور از اولی الامر، افرادی از مؤمنان هستند که در آنها شرط ایمان و اسلام که عبارت است از اطاعت از خداوند و اطاعت از رسول او و قبول حاکمیت خداوند، وجود داشته باشد. ۳۲

طبق این اعتقاد مشاهده می شود که «سید قطب» پس از بیان مفصلی پیرامون این آیه، «اولی الامر» را عمومیت بخشیده و این منصب را مختص به تمامی افرادی که تنها ایمان آورده و اسلام را پذیرفته باشند می داند.

بدون تردید صحابه صدر اسلام به خداوند و پیامبر و دین مبین اسلام ایمان آورده و آنها را پذیرفته بودند و از دستورات و احکام آنها اطاعت می کردند، مسأله ای که از بیان «سید قطب» به ذهن متبادر می شود همان اعتقاد به اجماع امت است زیرا شخص خاصی تحت عنوان اولی الامر در اینجا مصداق عینی پیدا نمی کند که محل رجوع مسلمانان در حل مشکلات آنان باشد. «مرحوم سید قطب»، در فراز دیگری از تفسیر این آیه می گوید: «اندازه و مقدار اطاعت از اولی الامر در حد معروفات و مشروعات خداوند است. ۳۳

بنابراین به اعتقاد سید قطب، ولایت اولی الامر که همان ولایت رسول خدا ﷺ است و امری است که خداوند در حق آنان نسبت به مسلمانان تفویض کرده است، در حد معروفات و مشروعات محدود شده است و این در حالی است که معروفات و مشروعات دین، جزو فروعات آن دین به شمار می رود نه اصول آن، لذا باید گفت طبق این نظر مسلمانان در اصول خود مرجعی که بتواند پاسخگوی آنان باشد ندارند.

رسال جامع علوم انسانی



۱. مقدمه ترجمه فی ظلال القرآن، به قلم دکتر خرم دل.	۱۲. همان، ۱۱۸/۲.	۲۴. همان، ۴۴۹/.
۲. ذمی، التفسیر والمفسرون، ۵۴۸/۲.	۱۳. همان، ۱۱۱/۱.	۲۵. مجمع البیان، ۵۵۹/۸.
۳. مجله پژوهشهای قرآنی، شماره ۸-۶۲/۷.	۱۴. الکشاف فی تفسیر القرآن، ۳۶۱/۱.	۲۶. فی ظلال القرآن، ۲۸۶۲/۵.
۴. فی ظلال القرآن، ۴/۲.	۱۵. واحدی نیشابوری، سبب نزول، ۲۳۰/.	۲۷. همان.
۵. صل الشیعة و اصولها، ۸۸.	۱۶. همان، ۲۳۱/.	۲۸. میزان، ۴۸۴/۱۶.
۶. الشیعة و التشیع، ۱۱۱.	۱۷. تفسیر المبین، ۱۴۸/.	۲۹. همان، ۴۸۸/.
۷. تیبان، ۴۴۵/۱.	۱۸. فی ظلال القرآن، ۹۲۰/۲.	۳۰. همان، ۵۸۸/۴.
۸. همان.	۱۹. واحدی نیشابوری، اسباب نزول، ۲۳۴/.	۳۱. الکشاف فی تفسیر القرآن، ۳۶۱/۲.
۹. تفسیر المبین، ۲۴/.	۲۰. تفسیر المبین، ۱۵۰/.	۳۲. فی ظلال القرآن، ۲۹۰/۲.
۱۰. فی ظلال القرآن، ۱۱۱/۱.	۲۱. فی ظلال القرآن، ۹۳۸/۲.	۳۳. همان.
۱۱. همان.	۲۲. تفسیر المبین، ۱۵۰/.	
	۲۳. واحدی نیشابوری، سبب نزول، ۴۴۸/.	